



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۱۰

۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۳

فشار رژیم بر روحانیون مبارز همچنان ادامه دارد. رژیم ضداسلامی شاه درست به هنگامی که به مناسبت اعدام پنج نفر روحانی در عراق، دست به یک مبارزه تبلیغاتی وسیع زده است، جنایات تازه‌ای را علیه روحانیون مترقی ایران مرتکب می‌شود. به چند خبر ذیل توجه کنید:

تهران - شهادت یک روحانی مبارز در زیر شکنجه:

آیت‌الله غفاری امام جماعت مسجد الهادی واقع در اول جاده تهران نو، که در زندان اسیر بوده روز شنبه ۵۳/۱۰/۷ بر اثر شکنجه‌های تنبیهی به شهادت می‌رسد. نامبرده حدود هشت ماه قبل بعلت اعتراض به ورود گوشت فاسد یخ‌زده دستگیر و در یک دادگاه نظامی به هشت ماه زندان محکوم می‌شود. همان طور که قبلاً گفتیم، درحال حاضر در زندان قصر خفقان و مقررات عجیبی حکمفرماست و هرکس از این مقررات سرپیچی کند مورد خشم و غضب جلادان آریامهری قرار می‌گیرد. در این زندان حتی از خواندن نماز هم جلوگیری می‌کنند و هرکس که به این مقررات اعتراض کند، بدون در نظر گرفتن شرایط سنی فرد معترض، او را به زیر شکنجه می‌برند. آقای غفاری هم گویا یکی از این معترضین بوده است و لذا بدون در نظر گرفتن سن، او را به شکنجه‌خانه منتقل می‌کنند که پس از دو هفته در اثر شکنجه‌های وارده شهید می‌شود.

افرادی که قبل از شهادت غفاری، به ملاقات او رفته بودند، نقل می‌کنند که او در زندان قصر هنگام ملاقات با خانواده‌اش بر اثر شکنجه قدرت ایستادن نداشت و دو پاسبان زیر بغل او را گرفته بودند که در بین ملاقات از حال می‌رود. در این موقع، خانواده او و خانواده دیگر زندانیان در محل ملاقات، داد و فریاد راه می‌اندازند. بهر حال پس از شهادت، بستگان نامبرده موفق می‌شوند جسدش را از پلیس جنایتکار تحویل بگیرند. گفته می‌شود که در تمام بدن، منجمله سر، زیر سینه، شکم و ران راست شهید علائم شکنجه دیده شده است.

در مراسم دفن جسد در قم، طلاب از جریان مطلع شده و مراسم تشییع جنازه را تبدیل به صحنه تظاهرات علیه شاه و دستگاه جبار ضد مردمی او نموده، با پلیس برخورد و درگیر می‌شوند. در این جریان حدود چهل نفر از طلاب دستگیر می‌شوند. سپس طلاب به مدرسین مراجعه کرده و آنان را وادار می‌کنند که بعنوان اعتراض به این جنایت رژیم درس‌ها را تعطیل کنند. ولی پس از یک روز برخی از مراجع درس را شروع می‌کنند. طلاب به مجلس درس آقای گلپایگانی رفته و به ایشان می‌گویند «شما برای اعدام‌های عراق سه روز حوزة درس را تعطیل نمودید. چرا برای یک روحانی مجاهد که در ایران شهید شده است حاضر به تعطیل درس نیستید؟ و اجباراً درس را تعطیل می‌نمایند. ولی قوای پلیس مداخله نموده و باز عده‌ای را دستگیر می‌کنند، که تظاهراتی در اینجا صورت می‌گیرد. صحنه سوم در مدرسه فیضیه رخ می‌دهد که طلاب برای مرحوم غفاری مجلس ختم می‌گذارند. ابتدا پلیس از ورود غیرروحانی به صحن مدرسه جلوگیری می‌کند، ولی در اثر کثرت جمعیت و بیم رویداد تظاهرات، ورود دیگران نیز آزاد می‌شود. مجلس ختم آرام برگزار می‌شود. و در پایان دو نفر از طلاب سخنرانی می‌کنند. در خاتمه شعارهایی بر علیه دستگاه داده می‌شود که با یورش پلیس عده‌ای دستگیر می‌شوند. چهارمین صحنه در مجلس ختمی بود که آقای نجفی در حسینیه برپا می‌نمایند، که باز بعلت تظاهرات در خاتمه مجلس و حمله پلیس، عده‌ای گرفتار می‌شوند.

در شب هفت آقای شریعتمداری در مسجد اعظم مجلسی برپا می‌کنند که بعلت کثرت جمعیت و تظاهرات بسیار، پلیس به مردمی که شعارهایی بر علیه شاه و دستگاه فاسد و خونریز حاکمه و شعارهایی در بزرگداشت و یاد از آیت‌الله خمینی می‌دادند حمله نموده و پس از مضروب‌ساختن عده‌ای، باز گروهی را دستگیر می‌کند. از جمع دستگیرشدگان که در حدود یکصد نفر می‌شدند حدود ۶۰ نفر در فاصله کوتاهی آزاد شده و بقیه به شکنجه‌گاه‌های ساواک منتقل شده‌اند.

همزمان با این تظاهرات، در شیراز، تبریز، اصفهان و مشهد نیز تظاهراتی بعلت شهادت آیت‌الله غفاری برپا شده است.

مرحوم آیت‌الله غفاری قبلاً نیز دوبار دستگیر و زندانی شده بود. بار اول در جریان تظاهرات ۱۵ خرداد ۴۲ بود که پنج ماه زندانی شد. بار دوم نیز دو ماه در اسارت بود. پسر آقای غفاری که از طلاب قم است هشت ماه قبل همراه پدرش دستگیر و به پنج ماه زندان محکوم و پس از آن آزاد شد، ولی مجدداً به زندان افتاده است.

«آیت‌الله مشکینی» از مدرسین حوزه علمیه قم، را اخیراً به گلپایگان تبعید کرده‌اند. گزارش رسیده حاکی است که ایشان در این شهر، مورد استقبال شدید مردم قرار گرفته‌اند.

«آیت‌الله منتظری»، از مدرسین حوزه علمیه قم، که به حال تبعید در طبس بسر می‌برند، در تاریخ ۵۳/۵/۲۰ بوسیله مأمورین شهربانی (کمیته) مشهد، به مشهد برده می‌شوند. در آنجا به ایشان گفته می‌شود که به مرکز بروید با شما کار دارند. در مرکز معلوم می‌شود که ایشان را به خلخال تبعید کرده‌اند و روز ۵/۲۲ به همراه مأمورین محافظ به خلخال می‌روند.

ظاهراً علت تغییر محل آقای منتظری، علاقه بیش از حد مردم طبس به ایشان بوده بطوری که مأمورین رژیم مجبور می‌شوند نماز آقا را ممنوع کرده و حتی از رفت‌وآمد به منزل ایشان مانع می‌شوند. لذا دوستان و آشنایان نوعاً از طریق منازل همسایگان و پشت‌بام به دیدن ایشان می‌رفته‌اند.

شایان توجه است که در مدت زمانی که آقای منتظری در طبس بوده‌اند بسیاری از اهالی که داشتن رادیو را گناه می‌دانسته‌اند، رادیو خریده و به برنامه‌های خبری، مخصوصاً رادیو میهن‌پرستان، توجه زیادی نشان می‌دهند.

آخرین خبر رسیده حاکی است که آیت‌الله منتظری مجدداً از خلخال به سقز کرستان تبعید شده‌اند.

آبادان - در مردادماه گذشته، شخصی بنام نصرتی در رابطه با سه پسر آقای هاشمی (روحانی) دستگیر شده است. همچنین نماینده آیت‌الله خمینی در این شهر و داماد شیخ عبدالرسول قائمی دستگیر شده‌اند.

تهران - آقای گنج‌های را مدتی است که از کمیته به زندان قصر منتقل کرده‌اند. نامبرده را در اردیبهشت ماه گذشته دستگیر کرده‌اند و بدون داشتن هیچ مدرک جرمی او را با تکلیف نگهداشته‌اند.

تهران - آقای علی غفوری از شب ۱۹ رمضان در مسجد مکتب توحید سخنرانی می‌کرده است. شب ۲۱ رمضان (۵۳/۷/۱۶) پس از اینکه حدود یک ساعت مستمعین منتظر می‌مانند، فردی پشت میکروفن رفته می‌گوید آقا کسالت دارند و نمی‌آیند. مردم که از علت اصلی قضیه باخبر شده بودند، با ناراحتی از مسجد بیرون می‌آیند و با شعارهای الله‌اکبر و صلوات و «مرگ بر این حکومت یزیدی» مسجد را ترک می‌کنند.

مشهد - روحانی مبارز آقای سیدعلی خامنه‌ای برای چندمین بار، روز جمعه ۵۳/۱۰/۲۰ دستگیر می‌شود. با انتشار خبر بازداشت نامبرده، تظاهراتی از طرف دانشجویان و طلاب و عده‌ای از مردم صورت می‌گیرد که در نتیجه پلیس عده‌ای را بازداشت می‌کند. دستگیری اخیر آقای خامنه‌ای در زمانی صورت می‌گیرد که دو برادر دیگر ایشان سیدهادی خامنه‌ای و سیدحسن خامنه‌ای در زندان‌های رژیم خونخوار بسر می‌برند.

تهران - در روز جشن تولد امام رضا (۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۹۴ - ۵۳/۹/۵) در مسجد موسی‌بن جعفر مقالات و برنامه‌های نسبتاً تندی اجرا شده است. متعاقب این جریان، پیش‌نماز مسجد و آقای متبحری، عضو هیئت امناء و آقای صادقی سخنران معمم آن روز دستگیر شده‌اند.

تهران - شایع است که آقای مفتح، پیش‌نماز مسجد جاوید، بعلت اجرای برنامه در روز وفات امام جعفر صادق (۲۵ شوال ۱۳۹۴ - ۵۳/۸/۱۹) دستگیر شده است.

تهران - در هفته اول مردادماه گذشته، آیت‌الله محمدصادق لواسانی، یکی از نمایندگان آیت‌الله خمینی در تهران پس از مدتی تحمل زندان و شکنجه به خارج از تهران تبعید شده‌اند. گویا تبعیدگاه ایشان رشت است.

شاهرود - یکی از روحانیون این شهر بنام محقق مدتی است که ناپدید شده. نامبرده به طرفداری از آیت‌الله خمینی شهرت داشته است. مردم این شهر می‌گویند پلیس وی را دستگیر کرده است. این دستگیری ظاهراً بعد از ماه رمضان گذشته صورت گرفته است.

عمان - حمله وسیع و همه‌جانبه نیروهای ایرانی، انگلیسی و مزدوران [سلطان قابوس] که از آغاز ماه دسامبر گذشته (۵۳/۹/۱۰) به منطقه غرب ایالت ظفار صورت گرفته بود، با مقاومت دلیرانه و جانبازی نیروهای ارتش آزادی‌بخش و دفاع ملی خلق عمان درهم‌سکسته شد و دشمن با تحمل تلفات و خسارات هنگفتی، در بسیاری از موارد مجبور به عقب‌نشینی گردید.

حمله فوق‌الذکر سه مرحله را شامل می‌شد:

مرحله اول: دشمن نیروهای وسیعی همراه با تجهیزات کامل در تاریخ ۱۰ آذرماه ۵۳ در باریکه صحرای شمال منطقه غرب در سطح وسیعی مستقر کرد که بلافاصله با مقاومت شدید ارتش آزادی‌بخش خلق و نیروهای دفاع ملی خلق (ملیشیا) روبرو شدند. در درگیری‌های شدیدی که در این مرحله روی داد، دشمن متحمل خسارات سنگین جانی و مالی شد.

مرحله دوم: دشمن در این مرحله، تلاش کرد که نیروهای هوای خود را در خط مقدم جبهه پیاده کند تا برخی از مواضع استراتژیک نیروهای انقلاب را زیر هدف بگیرد. در اینجا نیز نیروهای ارتش آزادی‌بخش و دفاع ملی از این مواضع بشدت تمام دفاع کردند و طی نبردهای خونینی، خسارات مهمی به دشمن وارد ساختند. سرانجام، پس از درگیری‌های سختی که در آن سلاح سرد نیز بکار گرفته شده بود، دشمن مجبور شد به مواضع پشت جبهه خود در باریکه شمال عقب‌نشینی کند، و اجساد و غنائم و مدارک فراوانی از خود بجای گذارد.

مرحله سوم: در این مرحله، دشمن با استفاده از هلیکوپتر، به قصد فتح خط جبهه شمال «رخبوت»، به پیاده کردن نیرو در طول این خط دست زد. به محض پیاده شدن این نیروها، نبرد سهمگینی بین آنان و انقلابیون درگرفت که دشمن مجدداً با تحمل خسارات مالی و جانی فراوانی مجبور شد از برخی از این مواضع عقب‌نشینی کند، در حالی که تعدادی از اجساد و تجهیزات نظامی خود را بجای گذارده بود.

(گزارش برخی از نبردهای فوق‌الذکر در شماره‌های گذشته این نشریه، بخصوص شماره نهم، آمده است).

در این حمله، مجموعاً دو هنگ پیاده‌نظام و کماندو و ارتش ایران و یک گردان و سه گروهان از نیروهای مزدور عمانی به فرماندهی افسران انگلیسی، شرکت داشته‌اند. علاوه بر این، هواپیماهای نیروی هوایی انگلیس نیز در ایجاد پوشش هوایی برای دشمن، و همچنین بمباران دهات مناطق مسکونی بی‌دفاع شرکت داشته‌اند.

دشمن در این حمله تلفات بی‌سابقه‌ای را متحمل شد. بنا به گزارش جبهه خلق برای آزادی عمان (۱) تنها در ۴۰ روز اول این حمله (۹/۱۰ تا ۵۳/۱۰/۱۹) ۸۸ برخورد نظامی روی داده که در آنها مجموعاً ۶۱۱ تن از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. در حالی که در این مدت، انقلابیون عمان فقط ۱۷ شهید و ۱۲ مجروح داشته‌اند (نسبتی کمتر از یک به ۲۰) همچنین در این مدت، حدود ۲۰ برخورد دیگر روی داده که از تلفات دشمن در آنها اطلاع دقیقی در دست نیست.

۱- صوت‌الثوره (صدای انقلاب)، ارکان جبهه خلق برای آزادی عمان، مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۵.

از آنجا که در تمام موارد، دشمن تلاش می‌کرده که مجروحان و کشته‌های خود را به سرعت و با استفاده از هلیکوپتر و آمبولانس از صحنه خارج کند، تعیین ملیت کشته‌ها غیر عملی بوده است. ولی با توجه به کثرت نسبی نیروهای ایرانی، طبیعی است که اکثر این تلفات، متوجه سربازان و ارتش ایران شده باشد. از جمله در بین معدود اجساد باقیمانده در صحنه عملیات که انقلابیون بر آنها دست یافتند، علاوه بر تعدادی کشته‌های عمانی و انگلیسی (من جمله سرهنگ دوم کاربی و سرگرد جان براولی اسمیت، فرماندهای گردان «کوه» و گروهان دوم این گردان)، گروهی از افراد ارتش ایران دیده شده‌اند که هویت برخی از آنها بشرح ذیل بدست آمده است:

۱- سرهنگ دوم جواد حافظی، فرمانده گردان ۱۵۳ از قوچان. (نامبرده اخیراً به درجه سرهنگ دومی ارتقاء یافته بود).

۲- سروان حسین رحیمیان، فرمانده گروهان یکم گردان ۱۵۳ از قوچان.

۳- ستوان دوم پیاده اکبر اسحاق‌زاده، فرمانده دسته دوم گروهان یکم گردان ۱۵۳.

۴- استوار دوم صادق طالبیان، از رسته توپخانه از اهواز و مترجم زبان عربی.

۵- گروهان دوم دارانلو خیابانی، فرمانده گروه سوم دسته سوم و رسد ضدتانک گروهان یکم گردان ۱۵۳

۶- سرباز یکم حسین خالقی، کمک تیرانداز گروه ادوات دسته دوم گروهان یکم گردان ۱۵۳.

۷- سرباز یکم علی اصغر گل‌فند مشتی، کمک تیرانداز از گروه ادوات دسته سوم گروهان یکم گردان ۱۵۳.

افراد نامبرده فوق‌الذکر (از گردان ۱۵۳ قوچان) در جریان یکی از نبردهای مرحله سوم کشته شده‌اند، تخمین زده می‌شود که بیشتر افراد گروهان یکم از گردان ۱۵۳ که سروان حسین رحیمیان فرماندهی آنها بعهده داشته است، در جریان این نبرد کشته و مجروح شده باشند که یا آنها را از صحنه عملیات خارج کرده‌اند و یا به دلیل همراه نداشتن برگ هویت، در بین اجساد باقیمانده، شناخته نشده‌اند. (لیست اسامی و عکس‌های برخی از افراد این گروهان بدست آمده است.)

رژیم دست‌نشانده شاه برای کشاندن سربازان ایرانی به این جنگ تجاوزکارانه ضدانسانی، از دو عامل زور و پول استفاده می‌کند. به گفته یک افسر نیروی هوایی در ۵۳/۹/۱۵، به هر افسری که به ظفار برود، حدود ۳۰ هزار تومان پاداش (یعنی پول خون او را) می‌دهند. هم بنا به گفته او، چندی پیش ۵۰ نفر از همکاران نامبرده (اعم از سرباز و افسر) به این جنگ رفته بودند که فقط شش نفر از آنها زنده برگشته‌اند. بنا به اظهار یک منبع دیگر، به درجه‌دارانی که به این جنگ می‌روند، در آغاز ۹ هزار تومان پرداخت می‌شد ولی بعداً این مبلغ به بیش از ۲۰ هزار تومان فوق‌العاده جنگی در طول مدت سه ماه رسید (علاوه بر حقوق). (درباره کیفیت رزمی نیروهای ایرانی در ظفار، روحیه آنان و همچنین عملکرد این نیروها در یک ساله گذشته، اطلاعات و مدارک مستندی بدست ما رسیده که بعداً منتشر خواهد شد.)

در رابطه با حمله وحشیانه اخیر نیروهای ایرانی - انگلیسی و مزدور به منطقه غرب در ظفار، تلگرافی از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران به جبهه خلق برای آزادی عمان مخابره شده که متن آنرا در زیر می‌بینید.

تلگراف همبستگی سازمان مجاهدین خلق ایران به جبهه خلق برای آزادی عمان

رفقای کمیته مرکزی اجرائی جبهه خلق برای آزادی عمان و ارتش آزادی‌بخش خلق و نیروهای دفاع ملی خلق.

در زمانی که خاک عمان صحنه شدیدترین درگیری‌های نظامی بین اتحاد ارتجاعی رژیم‌های مزدور منطقه به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و انگلیس از یک طرف، و شما رفقای رزمنده و خلق قهرمان عمان از طرف دیگر شده است و در زمانی که امپریالیست‌ها برای سرکوب انقلاب خلق عمان، به حمله وسیع تجاوزکارانه نظامی در منطقه غربی ایالت جنوبی عمان، ظفار، دست زده‌اند، ما بنام خلق مبارز و انقلابیون مسلح ایرانی، همبستگی رزمنده انقلابی خویش را در نبرد بر علیه توطئه‌ها و تجاوزات کثیف نظامی رژیم شاه و بویژه تجاوز نظامی اخیر اعلام داشته، و بشدت نگران سرنوشت این جنگ تجاوزکارانه و این جنایت ارتجاعی رژیم شاه بود، اخبار پیروزی‌ها و قهرمانی‌های خواهران و برادران همزنجیر خود در عمان را بشدت دنبال می‌کنیم.

ما شاهد پیروزی‌های چشمگیر شما در نبردهای یک ماه و نیمه اخیر در منطقه غربی ایالت ظفار بوده‌ایم و یقین داریم که سرنوشت این تجاوز کثیف نیز، در برابر ایمان راسخ شما به ادامه جنگ توده‌ای آزادی‌بخش عادلانه‌تان، چیزی جز شکست خفت‌بار برای تجاوزکار نخواهد بود.

ما مسئولیت کامل جان‌های از دست‌رفته صدها سرباز بی‌گناه ایرانی را که بزور به وسیله فرماندهان مزدور ارتش شاه به این جنگ تجاوزکارانه کشیده شده‌اند، و همچنین مسئولیت بی‌سرپرست شدن خانواده‌های آنان را، مستقیماً متوجه رژیم مزدور شاه تجاوزگر و عامل امپریالیسم می‌دانیم.

ما اعلام می‌کنیم که رژیم دست‌نشانده شاه درست در زمانی که در عمان دست به این تجاوز ننگین ارتجاعی بر علیه خلق و انقلابیون عمان زده، در داخل ایران نیز حمله خائنانه پلیسی جدیدی را بر علیه انقلابیون و خلق ایران، به شکل «حکومت نظامی پلیسی اعلام نشده» آغاز کرده است. ما با ایمان به پیروزی راهمان، به هیچ‌وجه نگران سرنوشت این تلاش‌های ارتجاعی رژیم مزدور شاه نیستیم. بلکه ایمان داریم که سرانجام، پیروزی از آن خلق تحت ستم و انقلابیون ماست. /

ما خود را با شما در یک سنگر بر علیه دشمن مشترک احساس می‌کنیم، و ایمان راسخ داریم که سرانجام با تلاش‌های عادلانه انقلابی خلق و انقلابیون عمان در خارج ایران، و خلق و انقلابیون ایران در داخل، به تجاوزات رژیم شاه، این عامل شماره یک امپریالیسم جهانی در منطقه، خاتمه داده خواهد شد.

پیروزی از آن انقلابیون و خلق‌های ستمکشیده است.

«مجاهدین خلق ایران»

۵۳/۱۱/۱۲

عمان - هفته بین‌المللی همبستگی با زندانیان سیاسی در عمان، از تاریخ ۱۱/۱۴ تا ۵۳/۱۱/۲۰ در جهان برگزار می‌گردد. به این مناسبت جبهه خلق برای آزادی عمان لیستی از زندانیان سیاسی عمان که در زندان‌های مخوف این سرزمین محبوس و زیر شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی بوسیله عمال ساواک، دژخیمان اردنی و حکومت دست‌نشانده قابوس و اربابان انگلیسی و امریکائی او قرار دارند، انتشار داده است(۱).

در این لیست ۳۲ محکوم به حبس ابد ۱۹ محکوم به حبس‌های طویل‌مدت، ۴۰ زندانی سیاسی که در نوامبر ۱۹۷۲ در ابوظبی بازداشت و اوایل ژوئن ۱۹۷۴ به حکومت عمان تحویل داده شده‌اند، و ۲۰ نفر از زندانیانی که در جریان دستگیری‌های وسیع چندصدنفره اخیر از اول نوامبر ۱۹۷۴ تاکنون اسیر شده‌اند، به چشم می‌خورد. همچنین اسامی سه نفر از اعضای جبهه خلق که در برخورد «رستاق» در ۵۳/۸/۷ (مجاهد شماره ۴) بدست دشمن اسیر شدند (مسعود محمد المرزوقی، محمدحسن مکی و عامر منصور سرحان)، در این لیست دیده می‌شود. در زیر اسامی محکومین به حبس ابد را به نقل از لیست یادشده بالا می‌آوریم.

محمدسلام العریقی - حمد محمد الذهب - حمد صالح عبدالله الغافری - یحیی محمد حمید الغسانی - ناصر حمید خلف العمری - صالح ناصر الحشار - محمد حمد صالح لرزیقی - سلیمان سعید الکیومی - علی سعود علی الطوبی - سیف صالح سیف القوارا - سوید سالم سوید العریقی - سعید محمد لسلیمان - عرض سالم راشد الجابری - سالم سعید حامد معنا - اسماعیل محمد النیری - سعید عبدالرحمن جمعه الخمینی - محمد سالم سلیمان الناعی - ناصر راشد ناصر الکیومی - سلیمان محمد عبدالله العبادی - حمد محمد مبارک العلوی - ابراهیم عبدالله سلیمان القصابی - ناصر حمید سوید العمری - علی سیف علی الکیومی - مبارک سالم حدوب - سعید ابراهیم یحیی الکندی - سالم علی سلطان الهاشمی - سعید عبدالله محمد العلوی - عبدالله علی عبدالله الحمود - عوض نجیب ربیع الكعداوی - محمد سعید سلیمان الکیومی - صالح محمد صالح الرباعی - مبارک حدوب الشعیلی.